

The Migration Trend of Iranian Workers to Caucasus in the 19th Century

Omriyye Ahadava¹ | Qobad Mansourbakht² | Karim Shakurov³

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: In the 19th century, majority of Iranian workers migrated to Azerbaijan, Russia, and the South Caucasus, due to the economic and political conditions of Iran. The purpose of this research is to investigate circumstances of Baku as the center for immigration and the role of Iranian migrants in Caucasus.

Method and Research Design: Library research was used, and Archival records of Archives of Azerbaijan, Archives of Russia, and Archives of Georgia were studied and analyzed in a descriptive and analytical way to investigate different aspects of immigration such as origin and destination of immigrants and their economic and legal issues.

Findings and conclusion: The results show that the expansion of the new Russian civilization in Caucasus province increased the demand for labor. In addition, discovery of oil and the development of oil industries intensified the demand. As a result, the wave of migration, especially from Azerbaijan and Gilan, increased significantly; the number of movers increased from 6.005% in 1858 to 62.249% on 1904.

Keywords: Migration; 19th century; Caucasus; Iranian worker; Qajar Period.

Citation: Ahadava, O., Mansourbakht, G., & Shakurov, K. (2023). The Migration Trend of Iranian Workers to Caucasus in the 19th Century. *Ganjine-ye Asnad*, 33(3), 84-113 | doi: 10.30484/ganj.2023.3080

1. PhD Student of Iranian History

after Islam, Shahid Beheshti

University, Tehran, Iran

ahadavaomriyye@mail.ru

2. Associate Professor,

Department of History,

Shahid Beheshti

University, Tehran, Iran,

(Corresponding Author)

g_mansourbakht@sbu.ac.ir

3. Associate Professor

Department of History, Azerbaijan

Academy of Sciences University, Baku,

Azerbaijan

shukurovkk@gmail.com

Copyright © 2023, NLAI (National

Library & Archives of I. R. Iran). This

is an Open Access article distributed

under the terms of the Creative Commons

Attribution 4.0 International,

which permits others to download this

work, share it with others and adapt

the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«131»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.30484/GANJ.2023.3080

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 33, No.3, Autumn 2023 | pp: 84- 113 (30) | Received: 4, Dec. 2022 | Accepted: 12, Mar. 2023

Historical research



روند مهاجرت کارگران ایرانی به قفقاز در قرن ۱۳ ق

عمریه احد آوا^۱ | قباد منصوربخت^۲ | کریم کریکاغلو شکورف^۳



فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیمی

مقاله پژوهشی

چکیده:

در سده نوزدهم میلادی به دلیل شرایط اقتصادی و سیاسی حاکم بر ایران گونه خاصی از مهاجرت از ایران روی داد و آن مهاجرت کارگران به منطقه آذربایجان روسیه و قفقاز جنوبی بود.

هدف: بررسی اوضاع ولایت باکو به عنوان کانون اصلی مهاجرت به قفقاز و نقش مهاجران ایرانی در قفقاز هدف این پژوهش است.

در این تحقیق مقوله مهاجرت و مسائل حقوقی آن از لحاظ کمی و کیفی بررسی شده است. هم چنین ابعاد مهاجرت، شامل مبدأ مهاجرت، مقصد مهاجرت، و مسائل اقتصادی مهاجرت ایرانیان به قفقاز در قرن ۱۳ ق با استفاده از منابع و اسناد تاریخی موجود در آذربایجان، گرجستان و روسیه بررسی شده است.

روش/ رویکرد پژوهش: این پژوهش از نوع توصیفی و تحلیلی است و داده‌های آن با استفاده از روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. شایان ذکر است که این داده‌ها از منابع دست‌اول موجود در آرشیو اسناد در جمهوری آذربایجان، گرجستان و روسیه گردآوری شده است؛ بنابراین این مطالعه بر پایه اسناد و مدارک معتبر تاریخی استوار است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: تحقیقات و بررسی‌ها نشان می‌دهد که گسترش تمدن جدید روسی به منطقه قفقاز سبب افزایش تقاضا برای نیروی کار شد و کشف نفت و توسعه صنایع نفتی هم بر این تقاضا شدت بخشید. در نتیجه موج مهاجرت به قفقاز به ویژه از آذربایجان و گیلان با افزایش چشمگیری مواجه شد؛ به طوری که میزان مهاجرت از ۶,۰۰۵٪ در سال ۱۸۵۷ به ۶۲,۲۴۹٪ در سال ۱۹۰۴ رسید.

کلیدواژه‌ها: مهاجرت؛ قرن نوزدهم؛ قفقاز؛ کارگر ایرانی؛ دوره قاجار.

استناد: احد آوا، عمریه، منصوربخت، قباد و شکورف، کریم. (۱۴۰۲). روند مهاجرت کارگران ایرانی به قفقاز در قرن ۱۳ ق. *گنجینه اسناد*، ۳۳(۳)، ۸۴-۱۱۳ | doi: ۱۰,۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۳,۳۰۸۰

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، گروه تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
ahadovaomriyye@mail.ru
۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
g_mansourbakt@sbu.ac.ir
۳. استاد گروه تاریخ، دانشگاه علوم آکادمی باکو، آذربایجان
shukurovkk@gmail.com



گنجینه اسناد

۱۳۱

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۲۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۲۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰,۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۳,۳۰۸۰

نمایه در Google Scholar, Reserchgate, SID, ISC, ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۳، دفتر ۳، پاییز ۱۴۰۲ | صص: ۸۴ - ۱۱۳ (۳۰)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۱۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱

تحقیقات تاریخی

۱. طرح موضوع

پس از معاهدات گلستان و ترکمن‌چای و جدایی قفقاز از ایران، روسیه اقدامات گسترده‌ای را برای روسی کردن مناطق مختلف قفقاز آغاز کرد. در راستای روسی کردن (گسترش فرهنگ و تمدن روسی) و به تعبیر دقیق‌تر نوسازی اقتصادی این مناطق، سرمایه‌داران روسی و اروپایی کارخانه‌جات متعددی را در این مناطق احداث کردند. از سوی دیگر کشف نفت در منطقه آذربایجان و ایجاد صنایع نفتی در باکو، نیاز به نیروی کار را به شدت افزایش داد. همجواری ولایات آذربایجان و گیلان ایران با قفقاز، فرصت شغلی گسترده‌ای را برای ایرانیان ساکن این مناطق - که عمدتاً به کشاورزی اشتغال داشتند و با بیکاری فصلی روبه‌رو بودند - فراهم کرد؛ از این رو مهاجرت ایرانیان جویای کار به قفقاز آغاز شد. کارگران مهاجر ایرانی نه تنها در صنایع نفتی، بلکه در صنایع معدنی و کشاورزی هم به کار مشغول شدند.

۲. پیشینه پژوهش

مهاجرت کارگران ایرانی به روسیه تزاری در نیمه دوم سده نوزدهم و اوایل سده بیستم میلادی و زمینه‌ها و پیامدهای اقتصادی و سیاسی-اجتماعی آن را برخی از پژوهش‌گران ایرانی و آذربایجانی بررسی کرده‌اند. در این باره نخستین بار آبوت (Abbott) در سال ۱۸۵۵/م ۲۳۳/ش پژوهش کرد (Abbott, 1888, p39). بر اساس یافته‌های حکیمیان (۱۳۷۴)، شاکری (۱۳۸۴) و شکورف (Şükürov, 1998) در این مهاجرت‌ها و رفت‌وآمدها، طیف گسترده‌ای از ایرانیان، از بازرگانان خوش‌نام تا کارگران گم‌نام، از پناهندگان سیاسی و عقیدتی تا ماجراجویان و گروه‌های متکدی حضور داشتند. بیشتر این مهاجران دهقانان و پیشه‌وران فلاکت‌زده‌ای بودند که به ناچار مجبور شده بودند به قفقاز به‌ویژه منطقه باکو مهاجرت کنند و خاستگاه عمده آنان آذربایجان بود. حاج‌زین‌العابدین مراغه‌ای در سیاحت‌نامه خود، تعداد کارگران ایرانی شاغل در نواحی مختلف قفقاز را حدود شصت هزار تن ذکر کرده است (مراغه‌ای، ۱۳۷۸، ص ۹۸).

پژوهش کریمی گیلایه (۱۳۹۶) نقش کارگران مهاجر گیلانی را در انتقال افکار سوسیال-دموکراسی از قفقاز به انقلاب مشروطه بررسی کرده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که گیلان چون مرکز عمده تجارت ایران با قفقاز و روسیه بوده است و صادرات آن از قفقاز به اروپا انجام می‌شده است، بیشترین تأثیر را از ورود افکار جدید پذیرا بوده است. هم‌چنین کالیراد (۱۳۹۸) در پژوهش خود برپایه اسناد به‌جامانده از نمایندگی ایران در ولایت قفقاز - که در آرشیو وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران موجود است - تصویری کلی از حضور و فعالیت کارگزاران دولتی و مهاجران ایرانی مقیم



این شهر، از زمان تأسیس نمایندگی دولت ایران در ولایت قفقاز تا فروپاشی امپراتوری تزاری و وقوع جنگ‌های داخلی در روسیه ارائه کرده‌است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نمایندگی دولت ایران به دلیل اقداماتش در ایجاد و حفظ مسجد شیعیان (ایرانیان)، مدرسه نورو، وانجمن همت، نقش مهمی در ایجاد همبستگی میان اعضای مهاجر ایرانی داشته‌است و در مقاطع و موقعیت‌های مختلف از حقوق اتباع ایران صیانت می‌کرده‌است. در عین حال، نبود توازن در روابط ایران و روسیه، خصومت‌ها و رقابت‌های شخصی و محفلی میان اعضای مختلف وزارت خارجه و وجود بی‌نظمی‌ها و بی‌انضباطی‌های مالی، مانعی جدی در ارتقای عملکرد نمایندگی ایران در ولایت قفقاز بوده‌است. اتابکی و مرادحاصلی (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی علل ورود طبقات فرودست جامعه ایران به مناطق قفقاز در اواخر قرن نوزدهم را بررسی کرده‌اند و موضوعاتی مانند کوشش جامعه ایرانی ساکن قفقاز برای احقاق حقوق و حفظ هویت خود و مشارکت در فعالیت‌های سیاسی-انقلابی و تشکیل احزاب و گروه‌های سیاسی را با تکیه بر اسناد موجود در آرشیو دولتی شوروی بررسی کرده‌اند و در نهایت سرنوشت تلخ و ناگوار انقلابیون ایرانی در دوره تصفیه‌های استالینی را بیان کرده‌اند.

بررسی تحقیقات انجام‌شده در تارنمای نورمگز و سایر منابع معتبر علمی نشان می‌دهد که آنچه تاکنون نویسندگان در زمینه مهاجرت مهاجران ایرانی به قفقاز بررسی کرده‌اند، بیشتر براساس نظریه‌ها بوده‌است و کمتر برپایه اسناد و آمارهای رسمی و دست‌اول، این موضوع ارزیابی و تحلیل شده‌است. ادبیات تحقیق مقاله حاضر جستاری است برای شناسایی اصلی‌ترین شهرهای مهاجر فرست ایران به قفقاز و پرداختن به فعالیت‌های شغلی این مهاجران براساس منابع دست‌اول آذربایجانی، گرجی، و روسی. به عبارت دیگر مقاله حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که در قرن نوزدهم میلادی، بیشترین مهاجرت به کدام شهرهای قفقاز انجام شده‌است؟ و مهاجران در چه مشاغلی فعالیت می‌کرده‌اند؟

تحقیق حاضر ضمن پرداختن به مسائل فوق براساس اسناد و مدارک روسی موجود در آرشیوهای آماری مذکور - که تاکنون در تحقیقات علمی و آکادمیک لحاظ نشده‌اند - به تحلیل کمی و کیفی داده‌های آماری با رویکردهای مختلف شغلی، جمعیتی، جغرافیایی نیز می‌پردازد که از نقاط مثبت تحقیق حاضر است.

۳. وضعیت مهاجرت کارگران ایرانی به قفقاز در قرن نوزدهم

عهدنامه ترکمن‌چای سند پایانی جنگ‌های روسیه و ایران در سی سال اول قرن نوزدهم و سند اصلی حل و فصل روابط سیاسی و اقتصادی این دو کشور در آن مقطع محسوب می‌شد که مهاجرت جمعیتی در ماده چهاردهم تنظیم شد. الکساندر سرگیویچ گریبایدوف^۱ که

1. Aleksandr Qriboyedov



در تهیه و انعقاد قرارداد ترکمن چای مشارکت داشت، ماده دوازدهم، چهاردهم و پانزدهم این عهدنامه را تحلیل و بیان می کند که براساس ماده چهاردهم حرکت مهاجران ایرانی به قفقاز قانونی و برگشت مهاجران به ایران غیرقانونی تلقی می شد. در مواد دوازدهم، چهاردهم و پانزدهم درباره مقدار و نوع اموال مهاجران و نحوه انتقال این اموال در اسناد اشاره نشده است. مطابق این اسناد می توان بیان کرد که تمامی این بندها در رابطه با چگونگی رفت و آمد مهاجران دو کشور بوده است (HAG¹, f.11, Список 1, работать 151/32; HAG, Список 1, работать 6/1416). به نظر می رسد ماده دوازدهم، چهاردهم و پانزدهم عهدنامه ترکمنچای، به ویژه ماده چهاردهم، مخدوش ترین مواد در روابط دو کشور بود که مشکلات تنظیم حرکت مهاجران دو کشور را ایجاد کرده بود؛ زیرا براساس آنچه در اسناد روسی به آن اشاره شده است با توجه به شرایط آن زمان، از اعضای هر خانواده فقط یک نفر می توانست با گذرنامه از ایران خارج شود؛ به همین دلیل بقیه اعضای خانواده به صورت قاچاق با اموالشان به مناطق آذربایجان مهاجرت می کردند و این عامل (خروج به صورت قاچاق یا بدون گذرنامه) یکی از دلایل کثرت مهاجرت ایرانیان به قفقاز جنوبی بود (Минорский, 1905, С 204-211). بارون روزن، رئیس قاضی قفقاز (۱۸۳۱-۱۸۳۷) وی.ا. گولووین (۱۸۳۷-۱۸۴۲) که مسئول اداره کل امور مدنی قفقاز بود، در راستای اصلاح ماده چهاردهم که موجب سختی در مهاجرت شده بود، از معاون صدراعظم روسیه درخواست کمک کرد و در نتیجه، در سال ۱۸۳۳، نماینده روسیه در تهران برای مذاکره درباره تصویب مقررات مربوط به رفت و آمد شهروندان هر دو کشور مأمور شد؛ ولی مرگ فتح علی شاه و تغییر شرایط ایران مانع از اتمام مذاکرات در این باره شد؛ عاقبت در ۳ ژوئیه ۱۸۴۴، ادامه کار کنوانسیون متوقف شد. کنوانسیون مذکور نه تنها موجب تحولی تعیین کننده در موضوع مهاجرت نشد، بلکه مشکلات گسترده تری نیز به دنبال داشت (Грузия..., ф.6, список 1, дело 1448, л. 1; дело 1901 г., л 1). اما پس از مدتی، تقاضای فزاینده نیروی کار در قفقاز جنوبی، از اواسط قرن نوزدهم، به ارائه پیشنهادهایی برای هموار کردن شرایط و مذاکره هایی برای لغو دستورات قبلی منجر شد و در سال های بعد دستورات صادره از فرماندار قفقاز جنوبی، جابه جایی جمعیت از آذربایجان به قفقاز (باکو) را تسهیل کرد (Белова, 1987). (c.113)

با توجه به اسناد موجود، در ۱۱ دسامبر ۱۸۶۸م، حق جمعیت مناطق مرزی ایران برای سفر و یا مهاجرت به روسیه تأیید شد (Azərbay: MDTA, f.6, Siyahı 1, iş 19; Azərbaycan: MDTA f.32, Siyahı 1/240). این قرارداد که در ۱۱ دسامبر ۱۸۶۸م امضا شده بود تا تاریخ ۶ ژوئن ۱۸۸۷م، معتبر بود؛ ولی پس از سال ۱۸۸۷م معاون امور مدنی قفقاز، ی.گ. بلوی،

1. HAG: Historical Archive of Georgia
2. N. K. Belovanm



ادامه این روند را نپذیرفت و بیان داشت که هدف از دستور مورخ ۱۴ دسامبر ۱۸۸۷ م تنها توضیح بیشتر درباره قوانین رفت و آمد بین مناطق مرزی بوده است. همچنین فرمان ۳۰ مه ۱۸۸۸ م با دستور ۱۱ دسامبر ۱۸۶۸ م تفاوت داشت؛ چراکه برخلاف ابهام متن کنوانسیون اول، این کنوانسیون مناطق مرزی ایران را مناطق مربوط به روسیه تعریف کرد. همان طور که ذکر شد، از سال ۱۸۴۴ م برای جابه‌جایی مردم بین روسیه و ایران به گذرنامه نیاز بوده است (Шербатюк, АКД: Киев, 1965, c. 34) اما براساس آنچه در اسناد آمده است، مهاجران بدون گذرنامه هم به قفقاز سفر می‌کردند. می‌توان بیان کرد که جابه‌جایی مردم در این سال‌ها به منبع درآمدی برای روسیه و ایران تبدیل شده بود و روسیه از این مسئله به‌خوبی به‌نفع خود استفاده می‌کرد (BDU¹: f.11, Список 1, (работать, 234).

همچنین گزارش این اسناد بیان می‌کند: «اصلاحات در گذرنامه‌های ایرانی در این زمینه موفقیت‌آمیز نبود؛ بدین صورت که اگر ایرانی‌ای وارد روسیه می‌شد، باید تذکره خود را به استانداری محل سکونت خود تحویل می‌داد. در غیر این صورت اداره گذرنامه پس از جمع‌آوری اطلاعات لازم درباره فرد بدون گذرنامه، برای ایشان مجوز اقامت صادر می‌کرد» (Rüstəmov, 2001, s76).

در سندی دیگر آمده است: «میرزا عبدالله خان، نماینده تام‌الاختیار ایران در سن پترزبورگ، پیشنهاد کرد که برای غلبه بر مشکلات ناشی از این فرایند، برای ایرانیان به جای تذکره ایرانی در کلاتری‌های استانی و دفاتر استانی، اجازه اقامت در روسیه صادر شود» (HAG, 1865, f.11, 1888, работать, 490/52; HAG, 1889, работать, 491/44; HAG, 1890, работать, 493/34). این پیشنهاد را اداره قانون‌گذاری شورای ایالتی تصویب کرد (HAG, 1891, работать 493/34, 31; 492). و در نهایت مقرر شد کارگران ایرانی بدون گذرنامه به‌عنوان شهروندان جدید قفقاز جنوبی پذیرفته شوند.

۴. مبدأ مهاجران ایرانی و مقصدشان در قفقاز

اسناد و آمار گذرنامه‌ها در روشن‌ساختن جریان مهاجرت از ایران به قفقاز نقش مهمی دارند؛ ولی چنین اسناد و آماری در ایران جمع‌آوری نشده است و این آمار تنها براساس منابع روسی و براساس تعداد افرادی تعیین شده است که با تذکره به روسیه سفر می‌کرده‌اند. این آمار در نمودار شماره ۱ آمده است:

1. BDU: Bakı Dövlət Universitetinin





نمودار ۱

تعداد افرادی که از مناطق آذربایجان (تبریز، اردبیل، ارومیه و ...) در سال‌های مختلف با گذرنامه به روسیه سفر کرده‌اند

HAG. f.11, Список 1, работать 3251/39; HAG, 1865, работать 468/95; HAG, 1866, работать 469/35; HAG, 1878, работать 481/23; HAG, 1890, работать 492/31/33; HAG. 1892, работать 494/52; HAG, 1893, работать 495/41; HAG, 1894, работать 496/40; HAG, 1895, работать 497/42; HAG, 1901, (работать 503/26).

بر اساس آمار نمودار شماره ۱، از سال ۱۸۵۸-۱۹۰۴م، به طور متوسط سالانه ۱۸٬۰۰۰ نفر با گذرنامه به روسیه سفر کرده‌اند؛ در صورتی که تعداد واقعی مهاجرانی که به روسیه به ویژه به قفقاز جنوبی مهاجرت کرده‌اند بسیار بیشتر از این آمار بوده است و تعداد دقیق افراد در اسناد موجود و در متون تاریخی بررسی شده بیان نشده است؛ زیرا اکثر افرادی که از مناطق آذربایجان ایران (تبریز، اردبیل، ارومیه و ...) به روسیه به ویژه به قفقاز جنوبی مهاجرت می‌کرده‌اند، بدون گذرنامه و به صورت قاچاق از مرز عبور می‌کرده‌اند (Петровиския, 1879). لغو سیستم کنترل اتباع ایرانی در گمرک باکو و امکان عبور کشتی از آستارا به باکو بدون بازرسی، شرایط را برای عبور دسته‌جمعی از مرزهای زمینی روسیه از آستارا ایجاد کرده بود (HAG, f.12/2, работать 473/3). به گفته نماینده روسیه در آستارا، در سال‌های ۱۸۹۹-۱۹۰۰ میلادی ۹۰٬۰۰۰ نفر از این طریق از مرز روسیه عبور کردند (HAG, f 12, c. 4). در تاریخ‌های قبل‌تر نیز بنابه گزارش روزنامه «کاسپین» در آوریل ۱۸۵۷م، «تعداد ۱۵۰-۲۰۰ کارگر ایرانی اخیراً با کشتی از ایران به باکو رسیده‌اند» (Тигранов, 1978)؛ بنابراین، می‌توان فرض کرد که به‌ازای هر دارنده گذرنامه که از مرز عبور می‌کرده، حدود ۶-۷ نفر نیز بدون گذرنامه عبور می‌کرده‌اند. بر این اساس می‌توان تعیین کرد که تنها در سال



۱۹۰۴، ۳۰۰-۳۷۰ هزار نفر از مرز عبور کرده‌اند. در سندی آرشیوی مربوط به سال ۱۸۵۵ م آمده‌است: «تعداد شهروندان ایرانی‌ای که بدون مجوز رسمی از مرز عبور کرده‌اند به میزان قابل توجهی افزایش یافته‌است». این عده پس از عبور از مرز، ساکن یک منطقه نمی‌شدند، بلکه به شهرهای مختلف مهاجرت می‌کردند (HAG, f.116, Список, 1, работать, 2975/72-). سند دیگری افزایش چشمگیر تعداد شهروندان ایرانی بدون گذرنامه در قفقاز را از سال ۱۸۷۷ به بعد نشان می‌دهد (HAG, f.5, Список 1; работать, 4847/1). هم‌چنین، در منبعی دیگر از سال ۱۸۸۰ بیان می‌شود که در شهر قارص تعداد زیادی ایرانی بدون گذرنامه زندگی می‌کنند؛ به طوری که فرماندار باکو در سخنرانی خود در ۱۰ نوامبر ۱۹۰۱ م، به نمایندگی هیئت روسیه در تهران اعلام می‌کند که تعداد کارگران ایرانی غیرقانونی بسیار زیاد شده‌است و اقدام علیه آن‌ها را خواستار می‌شود. اسناد زیادی وجود دارد که این موضوع را تأیید می‌کند: (ГАРФ работать/6571); (HAG ф.5, оп.1, дело 1901, л.10).

شماره ردیف	استان	گیرنده پاسپورت یا مجوز حضور		شماره ردیف	استان	گیرنده پاسپورت و یا مجوز حضور	
		۱۸۵۸ م	۱۹۰۴ م			۱۸۵۸ م	۱۹۰۴ م
		۱	اردبیل (۸)			۲۳۳	۱۱,۱۷۸
۲	قره‌داغ (۲)	۹۹۵	۸,۵۳۹	۱۸	لسکو	...	۳۳۳
۳	سراب (۹)	۱۹۵	۶,۰۲۰	۲۹	خلخال (۱۳)	...	۲۷۴
۴	مرند	۲۴۴	۴,۸۳۴	۲۰	آستارا	...	۱۸۸
۵	سلماس (۵)	۳۵۸	۴,۰۷۰	۲۱	سن قالا	...	۱۳۸
۶	ارومیه (۴)	۶۱۶	۳,۹۴۹	۲۲	بیجلر	...	۱۳۰
۷	ایروان (۶)	۳۱۴	۳,۸۶۳	۲۳	سلاجبلانغ (مهلباد)	...	۱۲۶
۸	خوی	۱۳۹	۳,۵۳۸	۲۴	آذرباگوش	...	۱۱۹
۹	تبریز (۱)	۲,۱۲۱	۳,۴۲۵	۲۵	هریس	...	۱۱۳

جدول ۱

اصلی ترین شهرهای مهاجر فرست ایران
به قفقاز

(HAG, f.11, Список,
1, работать, 3251/39;
Минорский, 1905, с. 56)



شماره ردیف	استان	گیرنده پاسپورت یا مجوز		شماره ردیف	استان	گیرنده پاسپورت و یا مجوز حضور	
		حضور				حضور	
		۱۸۵۸ م	۱۹۰۴ م			۱۸۵۸ م	۱۹۰۴ م
۱۰	هشت رود	۳,۰۲۲	۲۶	مشکین (۱۱)	۱۲۱	۸۰
۱۱	گرمارود (۱۲)	۱۰۵	۳,۰۱۹	۲۷	خمس	...	۷۹
۱۲	ماکو	...	۱,۱۹۵	۲۸	دیلمان	...	۷۶
۱۳	اوجان	...	۸۵۲	۲۹	میانه	...	۶۷
۱۴	توفارگان	...	۷۳۴	۳۰	میان دوآب	...	۵۵
۱۵	مراغه (۳)	۸۰۳	۶۳۸	۳۱	سولدوز (نقده)	...	۳۶
۱۶	افشر	...	۴۶۶	۳۲	تیکمه داش	...	۳۱

ادامه جدول ۱

اصلی ترین شهرهای مهاجر فرست ایران به قفقاز
 (HAG, f.11, Список, 1, работать, 3251/39; Минорский, 1905, с. 56)

۵. میزان مهاجرت کارگران ایرانی به شهرهای مختلف قفقاز

باتوجه به اسناد و مدارک موجود، مهاجران ایرانی، مهاجرت به مناطق آذربایجان (باکو) را به سایر مناطق قفقاز ترجیح می دادند؛ بنابراین شهرهای قفقاز جنوبی که در مسیر مهاجرت قرار داشتند از اواسط قرن نوزدهم به سرعت توسعه را شروع کردند (Azərbaycan tarixi, II cild, 2008, c40). به طوری که در دهه ۶۰ قرن نوزدهم جمعیت شهری مناطق آذربایجان (باکو) ۱۲,۲ درصد جمعیت کل آذربایجان (قفقاز) بود و در پایان قرن نوزدهم، نسبت جمعیت شهری به جمعیت کل کشور به ۱۴,۶ درصد رسید (Лернер, 1981, №4, c52). در گرجستان نیز، جمعیت شهری در سال ۱۸۸۶ م نسبت به سال ۱۸۶۵ م، ۴۵ درصد افزایش داشت و این روند افزایش جمعیت شهری از سال ۱۸۸۶ تا ۱۸۹۷ م، به ۷۵ درصد رسید. طی دو دهه پس از اصلاحات در گرجستان، جمعیت شهری به نسبت کل جمعیت گرجستان رشدی چشمگیر داشت (از سال ۱۸۶۵ م تا ۱۸۸۶ م، جمعیت شهری از ۴۴,۷٪ جمعیت کشور به ۴۹,۵٪ جمعیت کشور افزایش یافت). ولی در دهه بعد جمعیت شهری سریع تر از کل جمعیت رشد کرد؛ بدین ترتیب که در سالهای ۱۸۸۷-۱۸۹۷ م، کل جمعیت کشور ۱۷,۱ درصد و جمعیت شهری ۷۱,۷ درصد افزایش یافت. باین که شهرهای ارمنستان کوچک بودند، جمعیت شهری در آن جا هم روبه افزایش بود. در سال ۱۸۷۳ م جمعیت شهری ارمنستان ۳۸'۰۰۰ نفر، در سال ۱۸۸۶ م، ۴۶'۰۰۰ و در سال ۱۸۹۷ م، ۶۸'۰۰۰ نفر بود (Парсамян В.А., 1972, 263).



۶. معروف‌ترین شهرهای مهاجرپذیر قفقاز

در نیمه اول قرن نوزدهم مهاجران ایرانی مناطق آذربایجان [ایران] (تبریز، ارومیه، اردبیل) بیشتر به مناطق آذربایجان [قفقاز] (باکو، شیروان، شماخی و...) در استان شماخی می‌رفتند. در گزارش‌هایی که فرماندار نظامی شماخی در ۲۳ مارس ۱۸۵۵ م به معاون قفقاز بیان کرده‌است: «افراد زیادی بودند که اجازه اقامت نداشتند و خود را ایرانی می‌نامیدند» (HAG, f. 11, Список 1, работать). هم‌چنین در این سند دو فهرست از مهاجران ایرانی غیرقانونی در شماخی نیز تنظیم شده‌است: «فهرست اول ۳۴۹ نفر و فهرست دوم ۳۷۷ نفر است» (HAG, f. 11, Список 1, (, работать, с 77-84). این ارقام شامل ایرانیان ساکن در شماخی نمی‌شود و فهرست‌های مذکور شامل افرادی است که مجوز اقامت در شماخی را نداشتند. ایرانیان مناطق آذربایجان (تبریز، اردبیل، ارومیه و...) به شهرهای دیگر استان شماخی نیز می‌رفتند. فرماندار شماخی در گزارش خود نوشته‌است: «سالانه تعداد زیادی از شهروندان ایرانی نه تنها به شماخی، بلکه به شهرهای دیگر این استان نیز سرازیر می‌شدند. آن‌ها اوایل تابستان برای کسب درآمد می‌رفتند و وقتی کارشان تمام می‌شد، برمی‌گشتند» (HAG, F13, работать 2/98). این متن نشان می‌دهد باینکه در آن زمان شماخی شهر بزرگی به حساب می‌آمده‌است، ولی دلیل حضور کارگران مهاجر ایرانی در آنجا کشاورزی فصلی بوده‌است. بعدها در اثر زلزله تعداد مهاجران آذربایجان ایران (تبریز، ارومیه، اردبیل) در شماخی کاهش یافت و نقش باکو در اقتصاد مهاجران افزایش یافت (Azərbaycan tarixi, II cild, 2008). استان باکو از نظر توسعه اقتصادی-اجتماعی و رشد جمعیت نه تنها در آذربایجان بلکه در کل قفقاز پیش‌تاز بود. از سال ۱۸۸۶ تا ۱۸۹۷ م، جمعیت باکو به ۲۶۱٬۶۴۲ نفر افزایش یافته بود. براساس سرشماری سال ۱۸۹۷ م، ۲۰ درصد از جمعیت استان باکو در شهر باکو زندگی می‌کردند. عامل جذب مهاجران به باکو صنعت نفت در حال توسعه آن بود (Bağirov, 1945, № 330). در سال ۱۸۹۷ م، بیشتر مهاجران ایرانی وارد شده به استان باکو (۱۳۵٬۵۷۲ نفر) به شهر باکو و شهرهای اطراف آن می‌آمدند. از سال ۱۸۸۸ تا ۱۹۰۲ م، ۲۱٬۶۰۰ نفر مهاجر ایرانی به باکو رفتند و ۹٬۶۰۰ نفر از مهاجران ایرانی در صنعت نفت باکو به کار مشغول شدند (Azərbaycan tarixi, VI cild, 1989, 345; BDU arxiv fondu, f13 səhyfe) (15, iş 5). سرشماری یک‌روزه‌ای که در ۲۲ اکتبر ۱۹۰۳ م در باکو انجام شده، نیز اطلاعاتی درباره حضور ایرانیان در این شهر ارائه داده‌است. در این سرشماری آذربایجانی‌های داخلی و خارجی در یک ستون ترکیب شده‌اند و در ترکیب ملی جمعیت به‌عنوان ملتی واحد مشخص شده‌اند. چون جمعیت سرشماری شده براساس کشور محل تولد تقسیم نشده‌است، نمی‌توان تعیین کرد که چه بخشی از این ۳۶٬۶۹۰ نفر سرشماری شده، ایرانیان مناطق آذربایجان ایران (تبریز، اردبیل، ارومیه و...) بوده‌اند (Баку по переписи, октября 22, 1903, 30). در آن زمان علاوه بر باکو،



جمعیت شهرهای دیگر آذربایجان شامل: الیزابت پل (گنجه)، لنکران و غیره نیز افزایش یافته بود. ایرانیان در این شهرها نیز حضور داشتند (Мамедов Ф. Город Гянджа в XIX в. (до 1868) (г.) АКД. Баку, 1978, 56).

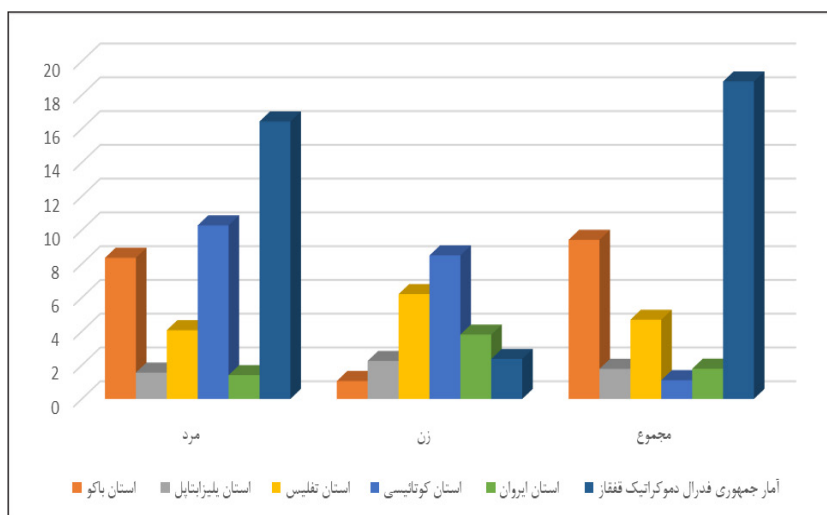
از گزارش های روزنامه «اخبار تفلیس»، می توان دریافت که این شهرها نیز در پذیرش مهاجران ایرانی نقش مهمی داشته اند (Кавказ, 1847, №36). در گزارش ۱۸۴۷م نیز به نقش ایرانیان در تفلیس اشاره شده است: «یادآور می شود که در اوایل دهه ۵۰، جمعیت تفلیس عمدتاً ایرانی بودند» (Кавказский календарь на, 1852, 405). این نکته نیز قابل توجه است که سرکنسول ایران در تفلیس، در اژوئن ۱۸۵۵م برای معافیت آب رسانیان ایرانی از مالیات درخواستی داده است (АКАК^۱, т. XI, док. № 863, с 964-965). در منبعی درباره جمعیت تفلیس در سال ۱۸۶۳م آمده است: «۶۲۳۱۸ نفر بومی و ۴۸ تا ۵۰ هزار مهاجر وجود داشته است» و در منبعی دیگر «مهاجران به دو دسته جویای کار طولانی مدت و موقت تقسیم شده اند. نمی توان تعداد ایرانیان را تعیین کرد؛ زیرا جمعیت تازه وارد براساس قومیت یا محل اصلی زندگی شان تقسیم نشده اند» (Кавказский календарь на, 1852, 405). در تفلیس و هم چنین در سایر شهرها، گزارش هایی وجود دارد که نشان می دهد تغییرات زیاد و مکرر تعداد مهاجران فصلی از خارج، به ویژه از ایران، امکان تعیین دقیق جمعیت شهری را نمی داده است (Кавказский календарь на, 1865, Отд. Третий 50, 51). از سال ۱۸۶۴-۱۸۶۵م، جمعیت مهاجران تفلیس براساس ملیت تقسیم شده است. یکی از شاخص ترین ویژگی های این تقسیم بندی این است که ترکیب ملی جمعیت در تابستان و زمستان به طور جداگانه تعیین شده است (Сборник сведений о Кавказе., т. VI, с.59-61). براساس این گزارش، در فصل زمستان ۵۲۹ ایرانی، شامل ۵۰۸ مرد و ۲۱ زن در تفلیس ساکن بودند؛ در حالی که در تابستان ۷۱۵۳ نفر، شامل ۷۱۲۴ مرد و ۲۹ زن در تفلیس زندگی می کردند. همان طور که مشاهده می شود از لحاظ فصلی تعداد مهاجران ایرانی در تابستان ۱۳،۵ برابر زمستان بوده است که روند آمارگیری بعدها ادامه پیدا نکرده است؛ چون اطلاعاتی که در ۲۸ ژانویه ۱۸۹۷م براساس آمارگیری فصلی به دست آمده است هیچ تغییری را در سرشماری مهاجران اعلام نکرده است (Хо рия Э.В. 18, /38/40).

در دهه آخر قرن ۱۹م، ایرانیان مهاجر (تبریز، اردبیل، ارومیه و ...) در زندگی شهری در منطقه قفقاز نیز نقش مهمی داشتند. براساس سرشماری یکروزه ای که در ۱۰ آوریل ۱۸۸۵م در شهر کوتایسی انجام شده است ۴۵ ایرانی (۳۷ مرد و ۸ زن) در آنجا ثبت شده اند (Кутаиси по однодневной переписи, 1887, с.23)؛ ولی این آمار واقعیت

1. АКАК: Акты Кавказской археографической комиссии



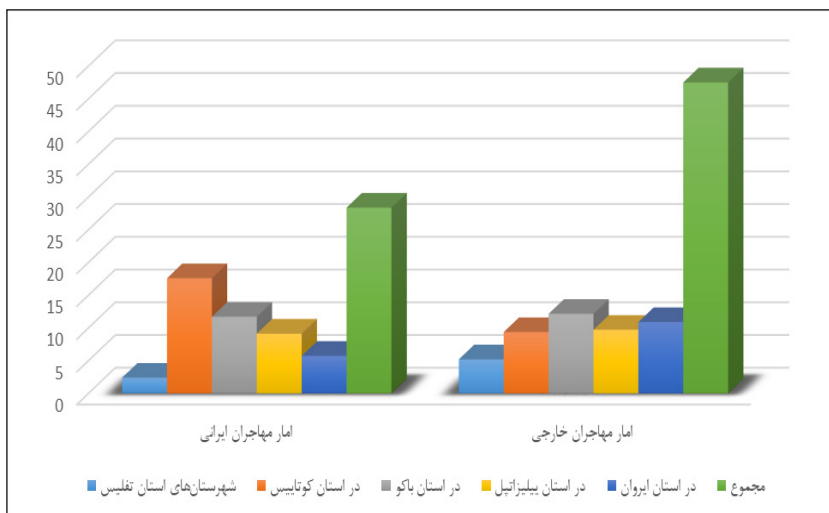
را به درستی منعکس نمی‌کند؛ زیرا در کتاب «سیاست‌نامه ابراهیم‌بیگ» اثر زین‌العابدین مراغه‌ای آمده است: «به شهر کوتائسی که سفر می‌کردم، در آن زمان هیچ ایرانی بیکاری وجود نداشت و هزاران کارگر و صنعتگر ایرانی برای ساخت راه‌آهن در شهر جمع شده بودند و به کار مشغول بودند» (مراغه‌ای، ۱۳۷۸، ص ۱۳۴). باتوجه به این سفرنامه می‌توان گفت که مهاجران ایرانی بیشتری در شهر کوتائسی حضور داشته‌اند که در آمارها به آن اشاره نشده است. ایروان، الکساندروپل و دیگر شهرها نیز از جمله مناطق مهاجرپذیر ایرانی بوده‌اند. سندی آرشیوی مربوط به سال ۱۸۶۴م بیان می‌کند که به دلیل کمبود اطلاعات، تعیین تعداد اتباع خارجی‌ای که برای درآمد تابستانی به شهرهای استان ایروان به‌ویژه شهرهای ایروان و الکساندروپل می‌آیند و در نتیجه تعیین تعداد دقیق اتباع ایرانی ساکن ایروان در طول دوره تابستان غیرممکن است؛ ولی به‌طور تقریبی تعداد آن‌ها در سند ۲۵۰ ГАРФ f.1268, Список 10, работать 127\1268, Siyahı 10) نفر تخمین زده شده است (iş 10\112). همچنین در سند آرشیوی که در سال‌های بعد جمع‌آوری شده است نشان می‌دهد که سال‌های بعد هم آمار مهاجران به همین ترتیب مبهم گزارش داده شده است و می‌توان بیان کرد که درحقیقت آمار مهاجران ایرانی در شهر ساندروپل با خواست فرمانداران این شهر دقیق ثبت نشده است. همچنین تعداد کمی از مهاجران ایرانی نیز در شهر قارص زندگی می‌کرده‌اند که درباره تعداد آن‌ها در سند مذکور سخنی گفت نشده است (HAG), дело 6, л.1\7) باتوجه به اسنادی که تاکنون بررسی شده است آمار دقیقی از تعداد مهاجران ایرانی و شغل آن‌ها در شهر الکساندروپل در دست نیست.



نمودار ۲

ایرانیان ساکن در شهرهای قفقاز در دهه
۱۹ میلادی
(HAG, f.5, Список 1,
работать 6571, 1)





ژودار ۳

تعداد مهاجران ایرانی در جمعیت شهری قفقاز
 و نسبت آن به کل جمعیت خارجی
 (ARPİİDSSA¹, f.1, s. 88, i.
 137, 34).

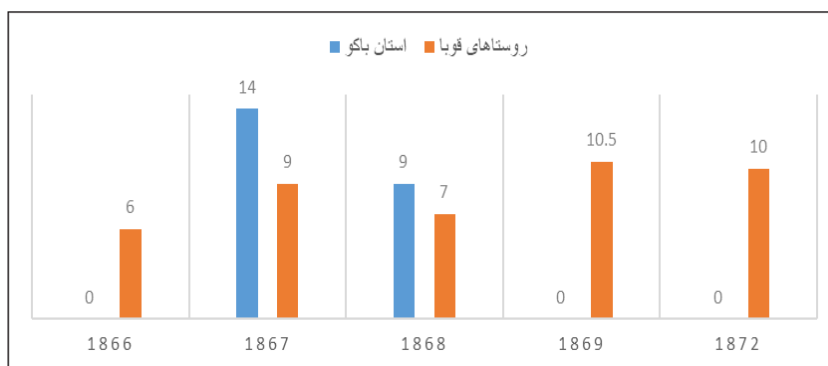
۷. میزان مهاجرت ایرانیان و مشاغل آنان در روستاهای قفقاز جنوبی

به دلیل فرصت کاری زیاد در شهرها، اغلب مهاجران تمایل داشتند که در شهرها زندگی کنند؛ ولی اوضاع کاری قفقاز طوری بود که کارگران ایرانی علاوه بر مناطق شهری به مناطق روستایی هم جذب می شدند. سندی آرشیوی مربوط به سال ۱۸۶۵ نشان می دهد: «طبق گذرنامه، ۱۷۵ خارجی در استان باکو ساکن بودند». علاوه بر این، در سند آرشیوی دیگری نیز گزارش شده است: «تعداد زیادی از ایرانیان هم برای کار به روستاهای مناطق جنوب قفقاز می رفتند» (ГАРФ, Ф1268, оп.11, д.142, л.263 о., 264, 284). آن‌ها به عنوان نیروی کار کشاورزی محسوب می شدند. منبع دیگری در سال ۱۸۶۸ نوشته شده است از طرف شهرداری باکو، ایرانیان برای کسب درآمد به ویژه به شهر قوبا و روستاهای آن سرازیر می شدند (НАГ, f.11, Список 1, работать 2264/3/19/20). شهر قوبا کوهستانی است؛ ولی از لحاظ جغرافیایی، هم زمین زیادی دارد و هم آب و هوای خوبی دارد که آن زمان کشاورزی به ویژه کشت روناس در آن پیشرفت کرده بود. در استان قوبا در سال ۱۸۵۳ میلادی ۱۵۰'۰۰۰ پود روناس جمع آوری شد و در سال ۱۸۶۱ میلادی ۲۱۳'۰۰۰ پود روناس جمع آوری شد؛ در حالی که در سال ۱۸۳۰ میلادی ۱۰۰۰ پود روناس جمع آوری شده بود. بیشترین صادرات روناس به روسیه بود؛ زیرا افزایش تولید روناس با توسعه سریع صنعت نساجی در روسیه هم زمان شده بود (Gülmalıyev, 1989, s. 280). این مهاجران به رفع نیاز شدید به نیروی کار در باکو و به اقتصاد محلی به ویژه در روستاها کمک می کردند. پژوهش های تاریخی با توجه به اسناد ادعا می کنند که در منطقه قوبا تعداد این کارگران به ۱۰-۱۵ هزار نفر نیز می رسیده است. در اینجا فقط آمار مربوط به منطقه

1. ARPİİDSSA: Azərbaycan Respublikası Prezidentinin İşlər İdarəsinin Dövlət Siyasi sənədlər Arxivi



قوبا نشان داده شده است (ГАРФ) ф.1263, оп.13, д.1, л.д. 428, 443). بنابه اسناد همین منبع، تعداد اتباع خارجی براساس پاسپورت‌های صادرشده در این استان در سال ۱۸۶۶م، ۳۸۶ نفر بوده است. علاوه بر اتباع خارجی، سالانه تعداد زیادی از ایرانیان جویای کار، بدون پاسپورت به این مناطق می‌رفتند که تعداد آن‌ها در روستای قوبا به ۶۰۰۰ نفر می‌رسید (ГАРФ ф.1268, оп.11, д.142, л.263 о., 264, 284). اسناد جمع‌آوری شده در سال ۱۸۶۷م نشان می‌دهد که: «در میان مناطق موردبازدید، منطقه لنکران به‌طور جداگانه ذکر شده است که ایرانیان به شهر لنکران می‌رفتند و کار آن‌ها در آن منطقه کشت گندم بوده است» (ГАРФ: работать 1, Опись 285, 13/14\дело1, л.428\443 оборот). در اسناد کتابخانه دانشگاه دولتی باکو نیز گزارش شده است: «در سال ۱۸۶۷ میلادی از ۱۴'۰۰۰ شهروند ایرانی ۹'۰۰۰ نفر برای کشت و زرع روناس به روستای قوبا می‌رفتند» (BDU KAB, f. 12; siyahi, 8, 34) و در سندی دیگر هم دیده می‌شود که این روند ادامه دار بوده است: «از سال ۱۸۶۸م تعداد زیادی از ایرانیان به روستاها و شهرها آمده‌اند» (BDU KAB, f12, siyahi 39, 9). براساس آمار اداره آمار باکو نقل شده از این مناطق در سال ۱۸۶۸م: «۹'۰۰۰ شهروند ایرانی در ناحیه قوبا زندگی می‌کرده‌اند که از این تعداد ۷'۰۰۰ نفر در ناحیه قوبا ساکن بوده‌اند» (ГАРФ), f.1268, Список, 11, работать 143). (286/287) و در سندی دیگر از سال ۱۸۶۹ آمده است که: «۱۰'۵۰۰ نفر ایرانی به داغستان و قوبا رفتند» (ГАРФ) Оп. 14, Д. 153, Л. 353 О., 354). در سال ۱۸۷۱م مهاجران زیادی از ایران به استان باکو رفتند (ГАРФ), Оп. 14, Д. 153, Л. 355 О., 356). هم‌چنین در سندی از سال ۱۸۷۲ آمده است: «حدود ۱۰'۰۰۰ نفر در ناحیه قوبا کار می‌کردند که بیشتر آن‌ها ایرانی بودند» (ГАРФ), Оп. 1, Д. 12, дело 91, Л. 183). باتوجه به مطالب ذکر شده می‌توان اذعان داشت که قوبا در مهاجرت ایرانیان نقش مهمی داشته است و آن‌ها در این شهر کشاورزی می‌کرده‌اند؛ این موضوع در نمودار شماره ۴ هم به‌خوبی دیده می‌شود.



نمودار ۴

تعداد مهاجران ایرانی در استان باکو و ناحیه قوبا



ГАРФ, оп ф.1263, о. 13, дело 1, л. 428, оборот 443; опись 14, дело 1, л.)
266 оборот, 285 оборот; дело 153, лист 352 оборот, 359 оборот; опись 1, дело
12, л. 395 оборотная сторона; дело 91, л. 183 оборотная сторона; опись 18,
(дело 182, л.505/506).

در ادامه اسناد آرشیوی روسیه نیز آمده است: «در نیمه دوم دهه ۱۸۶۰م و اوایل دهه ۱۸۷۰م، سالانه به طور متوسط ۹۵۰۰ نفر از مناطق آذربایجان ایران (تبریز، اردبیل، ارومیه و ...) به قوبا می رفتند» (ГАРФ, оп 1263, опись 13 с18). متأسفانه چنین اطلاعاتی درباره سایر استانها بسیار کم است؛ نویسندگان روسی هم به این موضوع اشاره کرده اند (Белова, 1987, 115). طبق منبعی دیگر: «در سال ۱۸۹۳ میلادی ۴۲۲۰۰ نفر از طریق جلفا و شاه تختی به استان یلیزاوتپل [الیزابت پل (گنجه)] رفتند (۲۱۹۰۰ نفر از طریق جلفا و ۲۰۳۰۰ نفر از طریق شاه تختی)؛ و هم چنین در مطالعه ای آمده است که سالانه بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر در دهه ۱۹۹۰م به منطقه بورچالی (برچالی) استان تغلیس می رفته اند. استان ایروان نیز مهاجرانی را از مناطق آذربایجان ایران (تبریز، اردبیل، ارومیه و ...) جذب می کرد» (ГАРФ, Список 18/05/506; KSX, 1895, № 80, 1384; Белова, 1987, 115). در شهر قازاخ امتیاز مزارع به شرکت های آلمانی تعلق داشت و بخش عمده ای از نیروی کار آنها را کارگران ایرانی تشکیل می دادند. طبق منابع، برداشت جو در دشت های قازاخ از اواخر اردیبهشت ماه و برداشت گندم در تیرماه آغاز می شد. این کار باید به سرعت انجام می شد؛ زیرا ماندن یک روز بیشتر محصول زیر آفتاب هم تأثیر مخربی بر میزان محصول داشت. در برخی از منابع گفته شده است که کارگران حتی صبح تا شب به کار مشغول بودند. درآمد آنها براساس ساعات کاری نبوده و روزانه بوده است (ARDA, F410, səyifə 2, 26, 25, 24, 25, 26). سندی آرشیوی تأیید می کند که: «کارگران حتی در کوهپایه ها و دشت ها هم کار می کردند و باتوجه به هزینه ای که می گرفتند، زمان معینی برای کارشان مشخص نبود» (НАГ: ф. 28, стр. 1, дело 151). ولی در گزارش کارگران کشاورز نوشته است که به کشاورزانی که در روستاهای کوهستانی و دور از اسکان خودشان کار می کنند، درآمد دوبرابری پرداخت می شود (Тиммер Ф, 1902, 21).

مناطق شهر تغلیس مخصوصاً برچالی از جمله مناطق مورد علاقه مهاجران ایرانی بوده است. اسناد درباره بهره گیری از نیروی کار در صنعت غله در منطقه برچالی این چنین بیان می کنند: «جمع آوری غلات برچالی عمدتاً به عهده شهروندان ایرانی بود که از اوایل تا اواخر فصل گندم در برچالی حضور داشتند» (ГАРФ, ф, 13, оп. 1, дело 267, л. 25). «این کارگران از استان الکساندروپل به سمت مناطق کشت غلات برچالی روانه می شدند.



آن‌ها پس از اتمام برداشت غلات یک منطقه، به سوی مناطق دیگری که محصولشان آماده برداشت بود، حرکت می‌کردند»^۱ (Аргутинский-Долгоруков А. М. 1897, 104). «اتباع ایرانی نیز در روستاهای روسیه در منطقه لری بخش برچالی با مردم آن منطقه باهم کار می‌کردند» (Бунятов, 1903, 115). می‌توان از این اسناد این‌طور برداشت کرد که کارگران ایرانی از محیط، و شرایط کاری و جغرافیایی برچالی باخبر بودند و بدین ترتیب هیچ موقع از سال بی‌کار نبودند. به‌همین دلیل آمارشان در برچالی از شهر تفلیس بیشتر بود.

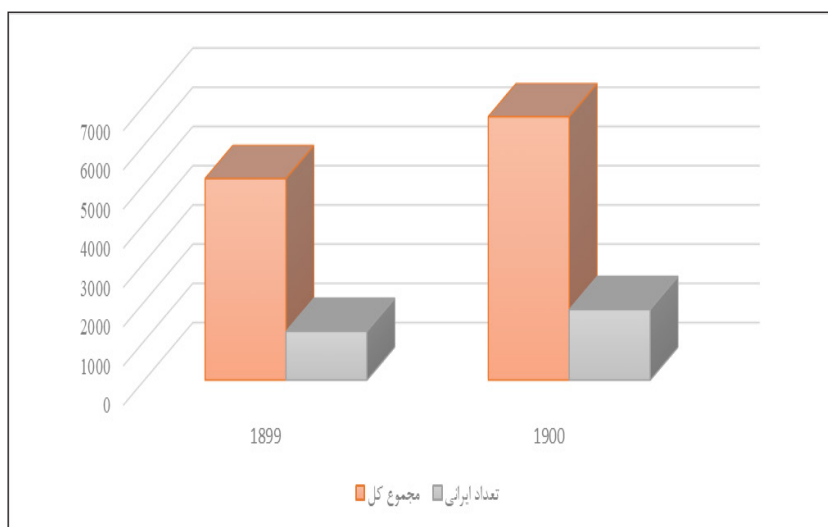
ریشه مهاجرت ایرانیان به قفقاز جنوبی در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ توسعه صنعتی و معدنی و کشاورزی و در نتیجه نیاز به نیروی کار در این مناطق بوده است. مشاغل کارگران در قفقاز جنوبی زراعت غلات، روناس، پنبه، صیفی‌جات، پرورش کرم ابریشم و تولید پيله، انگور کاری، آب‌رسانی و ... بوده است.

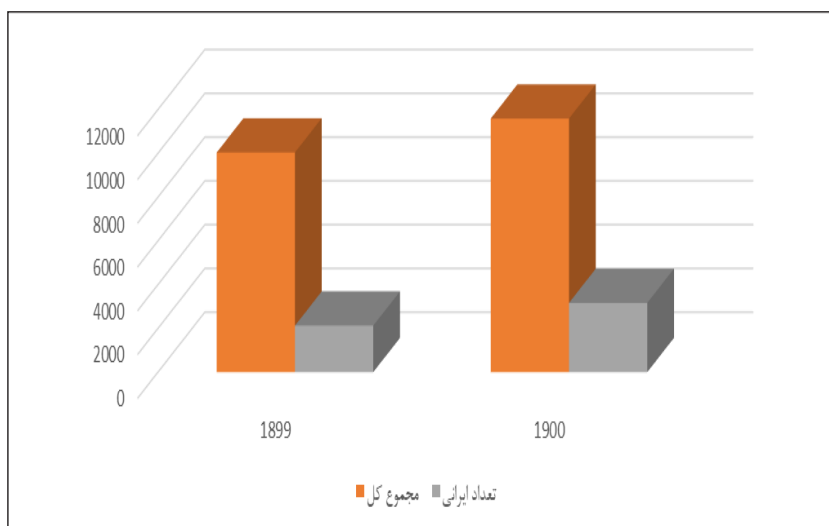
کارگران ایرانی در صنایع مختلف از جمله صنعت نفت، معدن، راه‌سازی، قالی‌بافی، شیشه‌سازی، کبریت‌سازی، و هم‌چنین بنایی فعالیت داشتند. کارگران ایرانی بیشتر از کارگران دیگر کشورها، در فعالیت‌های نفتی حضور داشتند. نمودار شماره ۵ تعداد ایرانیان شاغل در حفاری و تولید نفت مثلاً پالایشگاه‌ها و ... را در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۰ م نشان می‌دهد و نمودار شماره ۵ تعداد ایرانیان شاغل در صنعت نفت باکو در سال‌های ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۰ میلادی را نشان می‌دهد.

نمودار ۵

تعداد ایرانیان شاغل در حفاری و تولید نفت در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۰ م
(Azarbaycan MDTA, f.156, Siyahı I, iş 1, vəraq 42, 66-70).

1. Аргутинский-Долгоруков, А. М. (1897). Борчалинский уезд Тифлисской губ. в эконом. и коммерч. отношениях // Район Тифлиско-Карско-Эриванской железной дороги в экономическом и коммерческом отношении. Тифлис, с. 104.





مُودار ۶

پویایی تعداد ایرانی شاغل در کارگاه‌های شرکت‌ها و پیمانکاران صنعت نفت باکو در سال‌های ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۰ میلادی (Obzor Bakinsky, 1901, 56).

نتیجه‌گیری

با جدایی قفقاز از ایران براساس عهدنامه‌های گلستان و ترکمن‌چای، روسیه نوسازی را در این منطقه آغاز کرد. این اقدامات از ربع آخر قرن نوزدهم میلادی شتاب فراوان گرفت. سرعت بخشیدن به این اقدامات نوسازانه به گسترش صنایعی همچون تولید سیمان، استخراج معادن، ساختمان‌سازی، کشاورزی و نساجی نیاز داشت. هم‌چنین کشف نفت در آذربایجان روسیه اقدامات نوسازانه در این منطقه را شدت بخشید و به تبع آن نیاز به نیروی کار را صدبرابر افزایش داد. نزدیک‌ترین مناطق برای تأمین نیروی کار، گیلان و آذربایجان ایران بودند. شرایط بد کارگران ایرانی در داخل کشور و مهیا بودن کار در کشور هم‌جوار سبب افزایش مهاجرت از ایران به قفقاز جنوبی شد. دولت روسیه از این جریان مهاجرت حمایت می‌کرد؛ زیرا از یک سو به کارگر برای بخش صنعت و کشاورزی نیاز داشت و از سوی دیگر ایرانیان مهاجر با داشتن شرایطی همچون هم‌زبانی، دریافت دست‌مزد کم و توانمند بودن در کارهای مختلف گزینه خوبی محسوب می‌شدند. این حمایت‌ها از طرق مختلف مانند جذب کارگران با گذرنامه یا بدون گذرنامه، دادن مجوز اقامت پس از عبور از مرز، دادن کار به کارگران به محض ورود بود. کارگران ایرانی در مناطق شهری و روستایی قفقاز جنوبی به کار مشغول می‌شدند. عمده‌ترین شهرهای مهاجرپذیر در صنعت نفت، باکو و در تأسیسات، ساخت‌وساز و راه‌آهن تفلیس بودند. در بخش کشاورزی نیز استان برچالی، شاماخ و قوبا میزبان بیشترین کارگران ایرانی در مناطق روستایی در این استان بودند.



منابع

منابع فارسی

کتاب

- حکیمیان، حسن. (۱۳۷۴). *کار مزدی و مهاجرت تاریخ معاصر ایران*. (کتاب هفتم). (افسانه منفرد، مترجم). تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، بهار.
- شاگری، خسرو. (۱۳۸۴). *پیشینه‌های اقتصادی-اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال‌دموکراسی در آن عهد*. تهران: اختران.
- مراغه‌ای، زین‌العابدین. (۱۳۷۸). *سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ*. (چ ۱). تهران: محور.

مقاله

- اتابکی، تورج؛ مرادحاصلی، جعفر. (۱۳۹۶). «میزبان‌های ناراحت، میهمان‌های مغرض: زندگی و روزگار چپ‌های انقلابی ایرانی در اتحاد شوروی (طی سال‌های ۱۳۱۷-۱۲۹۹ ش/۱۹۳۹-۱۹۲۱ م)». *تاریخ روابط خارجی*، شماره ۷۱، صص ۱۲۷-۱۵۴.
- کالیبراد، علی. (۱۳۹۸). «ایرانیان قاف‌نشین؛ پژوهشی در اسناد نمایندگی ایران در ولادی قفقاز (۱۳۱۵-۱۳۳۷ ق/۱۸۹۷-۱۹۱۹ م)». *پژوهش‌های علوم تاریخی*، شماره ۲۰، صص ۲۰۷-۲۳۰.
- کریمی گیلابه، یاسر. (۱۳۹۶). «نقش کارگران مهاجر گیلانی در انتقال افکار سوسیال-دموکراسی قفقاز در انقلاب مشروطه». *کارنامه تاریخ*، شماره ۸، صص ۸۳-۱۱۴.

منابع غیرفارسی

Azerbaijani sources

Archive Document

- Azərbaycan Dövlət Tarixi Arxiv Mərkəzi, f.6, siyahı 1, iş 19; f.32, siyahı 1/ iş 240.
- Azərbaycan Dövlət Tarixi Arxiv Mərkəzi, f.156, Siyahı 1, iş 1, v r q 42, 66-70.
- Bakı Dövlət Universitetinin, Kitabxanasının Arxiv bölməsi, f 12, siyahı 8/ iş 34.
- Bakı Dövlət Universitetinin, Kitabxanasının Arxiv bölməsi, f 11, siyahı 1/ iş 234.
- Bakı Dövlət Universitetinin, Kitabxanasının Arxiv bölməsi, f12, siyahı 9/ iş 39.
- Baku State University, archival fund, f13, s hıfə 15, iş 5.
- Rüstəmov, Tohid. (2001). "S. . Komiterini Şərq Şyasətində İran 1919-1943". Bakı: Xəzər Universitetinin Şıfıyatı.
- Баку по переписи 22 октября 1903 Г., с.30.



Azərbaycan Respublikası Dövlət Arxiv Fondu qovluq410, səyifə 2, iş, 24, 25, 26.
Azərbaycan Respublikası Prezidentinin İşlər İdarəsinin Dövlət Siyasi sənədlər
Arxivi, f.1, sənəd 88, iş 137, səhfə34

book

Abbott, V. G. (1888). *Diplomatic and Consular Reports on Trade and Finance Persia, Report on the Agricultural Resources of the Province of Azerbaijan, District of Tabreez*. London: Foreign Office, no 423.

Azərbaycan tarixi, (1900-1920-ci illər). Yeddi cildə. II cild. (2008). Bakı: "Elm".

Azərbaycan tarixi, Yeddi cildə. VI cild. (1989). Bakı: "Elm".

Şükürov, K. K. (1998). *Azərbaycan tarixi. Ən qədim zamanlardan bizim günlərədək: döv-lətlər, hadisələr, sinxronlaşdırılmış cədvəllər*. Bakı: "AMEA".

Gülməliyev, M.M. (1989). *XVIII əsrin son rübü-XIX əsrin birinci yarısında Azərbaycan kəndinin sosial-iqtisadi strukturu*. Bakı: Elm.

Article

Bağirov, M. C. (1945). "Azərbaycan K(b)P MK katibi 10 dekabr". № 330, Bakı.

Мамедов Ф. Город Гянджа в XIX в. (ДО 1868 Г.) АҚД, Баку, 1978 Сборник сведений о Кавказе., Т.VI, с.59-61

Georgia sources

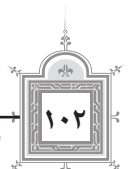
Archive Document

Central State Historical Archive of Georgia, (HAG/RXSA). f. Collected from a source called Iran Stolu, f.11, Список 1, работать 151, vərəq 32

Документ Грузия: Центральный государственный архив (HAG): 1865 Г, дело 468, Л. 95.

Документ Грузия: Центральный государственный архив (HAG): 1888 Г, дело 490, Л. 52.

Документ Грузия: Центральный государственный архив (HAG): 1889 Г, дело 491, Л. 44.



- Документ Грузия: Центральный государственный архив (НАГ): 1890 г, дело 492, Л. 31\33.
- Документ Грузия: Центральный государственный архив (НАГ): 1893 г, дело 495, Л. 41.
- Документ Грузия: Центральный государственный архив (НАГ): 1895 Г, дело 497, Л. 42.
- Документ Грузия: Центральный государственный архив (НАГ): ф.11, ОП.1, дело 3251, Л.Д. 39.
- Документ Грузия: Центральный государственный архив (НАГ): ф.6, список 1, дело 1448, Л. 1; дело 1901 Г., Л. 1
- Документ Грузия: Центральный государственный архив (НАГ): ф.13, работать 2/98.
- Документ Грузия: Центральный государственный архив (НАГ): ф.5, оп.1, дело 1901, Л.10.
- Документ Грузия: Центральный государственный архив (НАГ): 1892 Г, дело 494, Л. 52.
- Документ Грузия: Центральный государственный архив (НАГ): ф.116, опись 1, дело 2975, Л.Д. 72-73.
- Документ Грузия: Центральный государственный архив (НАГ): ф.12, список 4, работа 456. Верак, 5.
- Документ Грузия: Центральный государственный архив (НАГ): оп. 1, дело 1416, Л. 6.
- Документ Грузия: Центральный государственный исторический архив (НАГ): ф. 28, стр. 1, дело 151.
- Документ Грузия: Центральный государственный исторический архив (НАГ): 1866 г, дело 469, л. 35.
- Документ Грузия: Центральный государственный исторический архив (НАГ): 1878 г, дело 481, л. 23.
- Документ Грузия: Центральный государственный исторический архив: (НАГ): 1891 г, дело 493, л. 34.



Документ Грузия: Центральный государственный исторический архив (НАГ):
1894 Г, дело 496, Л. 40.

Документ Грузия: Центральный государственный исторический архив (НАГ):
1901, дело 503, Л. 26.

Документ Грузия: Центральный государственный исторический архив (НАГ):
ф.12, оп.2, Д.437, Л.3

Документ Грузия: Центральный государственный исторический архив (НАГ):
ф.5, список 1, дело 4847, Л.1.

Документ Грузия: Центральный государственный исторический архив (НАГ):
ф.6, дело 6571, Л.1\7

Документ Грузия: Центральный государственный исторический архив (НАГ):
ф.11, список 1, дело 2975, Л.Д. 73.

Документ Грузия: Центральный государственный исторический архив
(НАГ): ф.5, опись 1, дело 6571, Л.1.

Российский государственный архив (МДТА СССР), ф.1263, о. 13, дело 1, Л. 428,
оборот 443; опись 14, дело 1, Л. 266. опись 1, дело 12, Л. 395 оборотная
сторона; дело 91, Л. 183 оборотная сторона; опись 18, дело 182, Л.505.506

Book

Obzor Bakinskoy nefteṅnoy. (1901). promiṣlennosti za 1899 q. Baku
.1900; Obzor Bakinskoy nefteṅnoy promiṣlennosti za 1900 q. Baku
(به شکل کتاب جمع شده است، ولی چاپ نشده است. 77-84ت در بخش آرشيوي گرجستان نگاهداري مي شود)

Минорский, В. (1905). *Движение персидских рабочих на промыслы в Закавказье*//Сборник консульских донесений. вып. III, SPb.

Парсамян В.А. "История армянского народа. 1801-1900 гг" Кн.I. Ереван, 1972, с.263

Sources of Russia

Archive Document

Государственный архив Российской Федерации (ГАРФ). ф.1268, Список 10,
работать 127, Л. 110,112



- Документ России: Центральный государственный исторический архив
(ГАРФ): ф.1268, оп.11, Д.142, Л.263 о, 264, 284.
- Документ России: Центральный государственный исторический архив
(ГАРФ): оп.18, Д.182, л.д. 505, 506.
- Документ России: Центральный государственный исторический архив
(ГАРФ): ф.1263, опись 13\18
- Документ России: Центральный государственный исторический архив
(ГАРФ): оп. 13\14 дело 1, л.428\443 оборот. 13
- Документ России: Центральный государственный исторический архив
(ГАРФ): ф.1263, оп.13, Д.1, л.д. 428, 443.
- Документ России: Центральный государственный исторический архив
(ГАРФ): ф.1268, оп.11, Д.143, л.д. 286, 287.
- Документ России: Центральный государственный исторический архив
(ГАРФ): Оп. 14, д. 153, Л. 352 о, 359
- Документ России: Центральный государственный исторический архив
(ГАРФ): Оп. 1, д. 12, л. 395.
- Документ России: Центральный государственный исторический архив
(ГАРФ): ф.1263, оп.8, д.153, л.355 о, 356.
- Документ России: Центральный государственный исторический архив
(ГАРФ): ф. 1, д. 12, дело 91, л. 183.
- Документ России: Центральный государственный исторический архив
(ГАРФ): Список 18 д. 05 дело 506. KSX, 1895, № 80, стр. 1384.

Book

- Кутаиси по однодневной переписи 10 апреля 1887 г. Кутаис, 1887.
- Акты Кавказской археографической комиссии. (Т. XI). док. № 863, с.964-965.
- Аргутинский-Долгоруков, А. М. (1897). Борчалинский уезд Тифлисской губ. в
эконом. и коммерч. отношениях // Район Тифлиско-Карско-Эриванской
железной дороги в экономическом и коммерческом отношении. Тифлис.
- Баку по переписи 22, октября. (1903).



- Белова Н. К. (1987). “Об отходничества из северо-западного Ирана в конце XVIII-XIX века”. Москва.
- Бунятов С. Из Лорийского участка // КСХ, 1897, 184, с. 462; йеня онун, Быт русских крестьян Лорийского участка Борчалинского уезда Тифлисской губернии // Сборник материалов для описание местностей и племен Кавказа. Вып. XXXI, Тифлис. 1903, Отд. II
- Джафарли, Н. Г. (1985). “История города Ленкорани в XIX- начале XX в, АКД” Баку.
- Лернер, В. А. (1981). “Влияние переселений в Азербайджане на количественный и качественный состав населения в последней трети XIX века // Известия АН Азерб. ССР. Серия история, философия и права”. Москва, №4.
- Мамедов, Ф. (1978). “Город Гянджа в XIX в. (до 1868 г.) “Азербайджанские Комиссионные Дела”. Баку
- Мурадалиева, Э. Б. (1991). “Города Северного Азербайджана во второй половине XIX века”. Баку.
- Петровская, П. (1879). “История Ирана, иран древние исторические события до наших дней”. Москва.
- Тигранов, Л. Ф. (1978). “Из истории общественно-экономических отношений в Персии”. Москва.
- Тиммер, Ф. (1902). Колония Еленендорф Елизаветпольская губ. и уезда // Сборник материалов для описание местностей и племен Кавказа. Вып. XIX. Тифлис, Отд. II.
- Хоштария, Э. В. (1869). “Очерки со КАГ-льно-экономической истории Грузии. Промышленность, города, рабочий класс XIX век и начало XX века”. Тбилиси. Sənəd Şəkilində toplanmış kitab yazçı yoxdur.
- Шербатюк, И. Е. (1965Г). “Сонагльно-экономические причины эмиграции трудящихся масс из Галиции, ее формы и последствия”. АКД: Киев.

Newspaper

Кавказ. (1847). №36.

Кавказский календарь на. (1865Г). Отд. Третий, 50, 51.



Кавказский календарь на. (1852). 405.

English Translation of References

Azerbaijani sources

Archive Document

Azərbaycan Dövlət Tarixi Arxiv Mərkəzi, f.6, siyahı 1, iş 19; f.32, siyahı 1/ iş 240.

[Azerbaijani]

Azərbaycan Dövlət Tarixi Arxiv Mərkəzi, f.156, Siyahı 1, iş 1, vərəq 42, 66-70.

[Azerbaijani]

Azərbaycan Respublikası Dövlət Arxiv Fondu qovluq410, siyahı 2, iş, 24, 25, 26.

[Azerbaijani]

Azərbaycan Respublikası Prezidentinin İşlər İdarəsinin Dövlət Siyasətində

Arxiv, f.1, siyahı 88, iş 137, sahifə 34. [Azerbaijani]

Bakı Dövlət Universitetinin, Kitabxanasının Arxiv bölməsi, f 12, siyahı 8/ iş 34. [Azer-

baijani]

Bakı Dövlət Universitetinin, Kitabxanasının Arxiv bölməsi, f 11, siyahı 1/ iş 234.

[Azerbaijani]

Bakı Dövlət Universitetinin, Kitabxanasının Arxiv bölməsi, f12, siyahı 9/ iş 39. [Azer-

baijani]

Baku State University, archival fund, f13, sahifə 15, iş 5. [Azerbaijani]

Rüstəmov, Tohid. (2001). "Siyaset Komitəsinin Şərq Siyasətində İran 1919-1943". Bakı:

Xəzər Universitetinin Şəryatı. [Azerbaijani]

Баку по переписи 22 октября 1903 г., с.30. [Russian]

Georgia sources

Archive Document

Central State Historical Archive of Georgia, (HAG/RXSA). f. Collected from a source
called Iran Stolu, f.11, Список 1, работать 151, vərəq 32

Документ Грузия: Центральный государственный архив (HAG): 1865 г, дело
468, Л. 95.



- Документ Грузия: Центральный государственный архив (НАГ): 1888 г, дело 490, л. 52.
- Документ Грузия: Центральный государственный архив (НАГ): 1889 Г, дело 491, Л. 44.
- Документ Грузия: Центральный государственный архив (НАГ): 1890 Г, дело 492, Л. 31\33.
- Документ Грузия: Центральный государственный архив (НАГ): 1893 Г, дело 495, Л. 41.
- Документ Грузия: Центральный государственный архив (НАГ): 1895 Г, дело 497, Л. 42.
- Документ Грузия: Центральный государственный архив (НАГ): ф.11, оп.1, дело 3251, Л.Д. 39.
- Документ Грузия: Центральный государственный архив (НАГ): ф.6, список 1, дело 1448, Л. 1; дело 1901 Г., Л. 1
- Документ Грузия: Центральный государственный архив (НАГ): ф.13, работать 2/98.
- Документ Грузия: Центральный государственный архив (НАГ): ф.5, оп.1, дело 1901, Л.10.
- Документ Грузия: Центральный государственный архив (НАГ): 1892 Г, дело 494, Л. 52.
- Документ Грузия: Центральный государственный архив (НАГ): ф.116, опись 1, дело 2975, Л.Д. 72-73.
- Документ Грузия: Центральный государственный архив (НАГ): ф.12, список 4, работа 456. Верак, 5.
- Документ Грузия: Центральный государственный архив (НАГ): оп. 1, дело 1416, Л. 6.
- Документ Грузия: Центральный государственный исторический архив (НАГ): ф. 28, стр. 1, дело 151.
- Документ Грузия: Центральный государственный исторический архив (НАГ): 1866 г, дело 469, л. 35.



Документ Грузия: Центральный государственный исторический архив (НАГ):
1878 г, дело 481, Л. 23.

Документ Грузия: Центральный государственный исторический архив:
(НАГ): 1891 Г, дело 493, Л. 34.

Документ Грузия: Центральный государственный исторический архив (НАГ):
1894 Г, дело 496, Л. 40.

Документ Грузия: Центральный государственный исторический архив (НАГ):
1901, дело 503, Л. 26.

Документ Грузия: Центральный государственный исторический архив (НАГ):
ф.12, оп.2, Д.437, Л.3

Документ Грузия: Центральный государственный исторический архив (НАГ):
ф.5, список 1, дело 4847, Л.1.

Документ Грузия: Центральный государственный исторический архив (НАГ):
ф.6, дело 6571, Л.1\7

Документ Грузия: Центральный государственный исторический архив (НАГ):
ф.11, список 1, дело 2975, Л.Д. 73.

Документ Грузия: Центральный государственный исторический архив (НАГ):
ф.5, опись 1, дело 6571, Л.1.

Российский государственный архив (МДТА СССР), ф.1263, О. 13, дело 1, Л.
428, оборот 443; опись 14, дело 1, Л. 266. опись 1, дело 12, Л. 395 оборотная
сторона; дело 91, Л. 183 оборотная сторона; опись 18, дело 182, Л.505.506

Sources of Russia

Archive Document

Государственный архив Российской Федерации (ГАРФ). f.1268, Список 10,
работать 127, Л. 110,112

Документ России: Центральный государственный исторический архив
(ГАРФ): ф.1268, оп.11, Д.142, Л.263 о, 264, 284.

Документ России: Центральный государственный исторический архив
(ГАРФ): оп.18, Д.182, Л.Д. 505, 506.



- Документ России: Центральный государственный исторический архив
(ГАРФ): ф.1263, опись 13\18
- Документ России: Центральный государственный исторический архив
(ГАРФ): оп. 13\14 дело 1, Л.428\443 оборот. 13
- Документ России: Центральный государственный исторический архив
(ГАРФ): ф.1263, оп.13, Д.1, Л.Д. 428, 443.
- Документ России: Центральный государственный исторический архив
(ГАРФ): ф.1268, оп.11, Д.143, Л.д. 286, 287.
- Документ России: Центральный государственный исторический архив
(ГАРФ): Оп. 14, Д. 153, Л. 352 о, 359
- Документ России: Центральный государственный исторический архив
(ГАРФ): Оп. 1, Д. 12, Л. 395.
- Документ России: Центральный государственный исторический архив
(ГАРФ): ф.1263, оп.8, Д.153, Л.355 о, 356.
- Документ России: Центральный государственный исторический архив
(ГАРФ): ф. 1, Д. 12, дело 91, Л. 183.
- Документ России: Центральный государственный исторический архив
(ГАРФ): Список 18 д. 05 дело 506. KSX, 1895, № 80, стр. 1384.

Books

- Abbott, V. G. (1888). *Diplomatic and consular reports on trade and finance Persia, report on the agricultural resources of the province of Azerbaijan, district of Tabreez*. London: Foreign Office, no 423.
- Azərbaycan tarixi, (1900-1920-ci illər). Yeddi cildə. II cild.* (2008). Bakı: "Elm".
[Azerbaijani]
- Azərbaycan tarixi, Yeddi cildə. VI cild.* (1989). Bakı: "Elm". [Azerbaijani]
- Акты Кавказской археографической комиссии. (Т. XI). док. № 863, с.964-965.
[Russian]
- Аргутинский-Долгоруков, А. М. (1897). Борчалинский уезд Тифлисской губ. в эконо. и коммерч. отношениях // Район Тифлиско-Карско-Эриванской



- железной дороги в экономическом и коммерческом отношении. Тифлис.
[Russian]
- Джафарли, Н. Г. (1985). "История города Ленкорани в XIX- начале XX в, АКД"
Баку. [Russian]
- Лернер, В. А. (1981). "Влияние переселений в Азербайджане на количественный
и качественный состав населения в последней трети XIX века // Известия
АН Азерб. ССР. Серия история, философия и права". Москва, №4. [Russian]
- Баку по переписи 22, октября. (1903). [Russian]
- Белова Н. К. (1987). "Об отходничества из северо-западного Ирана в конце
XVIII-XX века". Москва. [Russian]
- Бунятов С. Из Лорийского участка // КСХ, 1897, 184, с. 462; йеня онун, Быт
русских крестьян Лорийского участка Борчалинского уезда Тифлисской
губернии // Сборник материалов для описание местностей и племен
Кавказа. Вып. XXXI, Тифлис. 1903, Отд. II. [Russian]
- Gülmahteyev, M.M. (1989). *XVIII əsrin son rübü-XIX əsrin birinci yarısında
Azərbaycan kəndinin sosial-iqtisadi strukturu*. Bakı: Elm. [Azerbaijani]
- Hakimian, Hasan. (1374/1995). "*Kār-e mozdī va mohājerat-e tārix-e mo'āser-e Irān*"
(Fees and migration in the contemporary history of Iran) (vol. 7). Translated by
Afsaneh Monfared. Tehran: Mo'assese-ye Pažuheš va Motāle'āt-e Farhangi, Bahār.
[Persian]
- Кутаиси по однодневной переписи 10 апреля 1887 г. Кутаис, 1887. [Russian]
- Мамедов, Ф. (1978). "Город Гянджа в XIX в. (до 1868 г.) "Азербайджанские
Комиссионные Дела". Баку. [Russian]
- Maragheei, Zeinolabedin. (1378/1999). "*Siyāhat-nāme-ye Ebrāhim Beig*" (Travel di-
ary of Ebrahim Beg) (1st ed.). Tehran: Mehvar. [Persian]
- Ми́норский, В. (1905). *Движение персидских рабочих на промыслы в
Закавказье//Сборник консульских донесений*. вып. III, SPb. [Russian]
- Мурадалиева, Э. Б. (1991). "Города Северного Азербайджана во второй
половине XIX века". Баку. [Russian]
- Obzor Bakinskoy neft noy. (1901). Promišlennosti za 1899 q. Baku 1900; Obzor Bak-



- inskoy neft noy promiŝlennosti za 1900 q. Baku. (It has been compiled in the form of a book, but it has not been published. 77-84t is kept in the archive department of Georgia). [Azerbaijani]
- Парсамян В.А. «История армянского народа. 1801-1900 гг» Кн.1. Ереван, 1972, с.263. [Russian]
- Петровисья, П. (1879). «История Ирана, иран древние исторические события до наших дней»: москва. [Russian]
- Shakeri, Khosro. (1384/2005). *“Pišine-hā-ye eqtesādi-ejtemā’ee-ye jonbeš-e mašrutīyat va enkešāf-e susyāl-demokrāsi dar ān ‘ahd”* (The socio-economic backgrounds of the constitutionalism movement and the development of social democracy in that era). Tehran: Axtarān. [Persian]
- Şükürov, K. K. (1998). *Azərbaycan tarixi. Ən qədim zamanlardan bizim günlərədək: döv-lətlər, hadisələr, sinxronlaşdırılmış cədvəllər*. Bakı: “AMEA”. [Azerbaijani]
- Тигранов, Л. Ф. (1978). «Из истории общественно-экономических отношений в Персии»: москва. [Russian]
- Тиммер, Ф. (1902). Колония Еленендорф Елизаветпольская губ. и уезда // Сборник материалов для описание местностей и племен Кавказа. Вып. ХІХ. Тифлис, Отд. II. [Russian]
- Хоштария, Э. В. (1869). «Очерки со КАГ-льно-экономической истории Грузии, Промышленность, города, рабочий класс ХІХ век и начало ХХ века». Тбилиси. s n d ş kilind toplamıŞ kitab yazçı yoxdur. [Russian]
- Шербатюк, И. Е. (1965Г). «Сонагльно-экономические причины эмиграции трудящихся масс из Галиции, ее формы и последствия». АҚД: Киев. [Russian]

Articles

- Atabaki, Touraj; & Moradhaseli, Jafar. (1396/2017). «Mizbān-hā-ye nārāhat, mihmān-hā-ye moqrez: Zendegi va ruzegār-e čap-hā-ye enqelābi-ye Irāni dar etteḥād-e Šoravi (Teyy-e sāl-hā-ye 1299 – 1317 SH / 1921 – 1939 AD)» (Incommodious hosts, invidious guests: The life and times of Iranian revolutionaries in the Soviet



- Union, 1921–39). *Tārix-e Ravābet-e Xāreji* (Quarterly of Foreign Relations History), 71, pp. 127 – 154. [Persian]
- Ваğirow, M. C. (1945). “Az rbaycan K(b)P МК katibi 10 dekabr”. № 330, Baki. [Azerbaijani]
- Сборник сведений о Кавказе., Т.VI, с.59-61. [Russian]
- Мамедов Ф. Город Гянджа в XIX в. (до 1868 Г.) АҚД. Баку, 1978. [Russian]
- Kalirad, Ali. (1398/2019). “Irāniyān-e qāf-nešin; pažuheši dar asnād-e namāyandegi-ye Irān dar velādi-Qafqāz (1315 – 1337 AH / 1897 – 1919 AD)” (The Iranian diaspora in North Caucasus: A study on the records of the Iranian consulate in Vladikavkaz (1897-1919)). *Pažuheš-hā-ye ‘Olum-e Tārixī* (Historical Sciences Studies), 20, pp. 207 – 230. [Persian]
- Karimi Gilaye, Yasser. (1396/2017). “Naqš-e kārgarān-e mohājer-e Gilāni dar enteḡāl-e afkār-e susyāl-demokrvsi-ye Qafqāz dar enḡelāb-e mašruteh” (The role of Gilani migrant workers in transferring the thoughts of the Caucasian social democracy in the constitutional revolution). *Kārname-ye Tārix* (Biannual Journal of Karnameh Tarikh), 8, pp. 83 – 114. [Persian]

Newspapers

- Кавказ*. (1847). №36. [Kazakh]
- Кавказский календарь на*. (1865Г). Отд. Третий, 50, 51. [Russian]
- Кавказский календарь на*. (1852). 405. [Russian]

